

## صنعت فرش در بحران

## گره در گره، رنگ در رنگ

صنعت فرش ایران به عنوان مهمترین بخش صادرات غیرنفتی کشور در آستانه رکود است.

صادرات فرش ایران که سالانه نزدیک به نیم میلیارد دلار از نصیب کشور می‌سازد، روند صادرات آن بنا به دلایل بسیاری از قبیل گسترش و تعدد رقابلی همچون چین، عدم تطبیق با تقاضا و سلیقه جهانی ضعف فرش تولید شده در داخل، اعمال سیاست‌های نامناسب ارزی و گمرکی در سال‌های گذشته و عدم اطلاع‌رسانی مناسب و تبلیغات بین‌المللی رو به افول گذاشته است. در کنار این معضلات، نکات مثبت و مفیدی نیز وجود داشته و دارد که ما می‌توانیم با تمرکز بر روی آنها، زمینه‌ساز پویایی هرچه بیشتر این صنعت شویم؛ کیفیت و دوام فرش ایرانی نسبت به انواع غیرایرانی این محصول، از آن جمله است.

بر این اساس، طی همایش که با حضور جناب آقای دکتر مسعود میرکاظمی، وزیر محترم بازرگانی، در سالن همایش‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، دلایل و ریشه‌های افت صادرات فرش مورد بررسی قرار گرفت. در این همایش افرادی چون مهندس مهدی غضنفری، رییس سازمان توسعه تجارت ایران و معاون وزیر بازرگانی و آقای دکتر مرتضی فرجی، رییس مرکز ملی فرش ایران نیز حضور داشتند. در این شماره، چکیده‌ای از سخنرانی این عزیزان از نظر خوانندگان محترم «اقتصاد ایران» می‌گذرد.

دیدگاه دکتر مسعود میرکاظمی  
وزیر بازرگانی

میزان صدور فرش ایرانی در جهان از ۲ میلیارد دلار در گذشته به کمتر از ۱/۵ میلیارد دلار کاهش یافته است، در حالی که اهمیت میزان صادرات وقتی آشکار می‌شود که بدانیم میزان تولید فرش،

وابسته به میزان صدور آن است و همه ۵ میلیارد متر مربع تولیدی کشور، در داخل به فروش نمی‌رسد. متأسفانه در سال ۷۳ به دلیل سیاست پیمان‌سپاری ارزی، ناچار به صدور فرش با هر قیمت ممکن شدیم که برای جبران این مشکل، در دو سال گذشته مطالعات بسیاری انجام شد. البته با وجود بحران مالی جهان، لازم است قیمت تمام شده برای بافندگان کاهش یابد و شرایط به گونه‌ای فراهم شود که صادرات فرش، متناسب با تقاضای جهانی بوده و از ظرفیت‌های این صنعت نیز بیشترین بهره‌برداری به عمل آید.

به طور کلی می‌توان از مشکلات اساسی فرش ایران، به عدم تطبیق سلیقه مشتریان با محصولات عرضه شده، نبود دیدگاه علمی و ضعف در به کارگیری شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای اشاره کرد. توسعه پورتال فرش، گام مهمی در تعیین نوع تولیدات و کنترل عرضه و تسخیر بازار به شمار می‌رود و اگر بخواهیم افزایش صدور فرش را از ۵۰۰ میلیون دلار کنونی به ۷۰۰ میلیون

صورت فقدان این عرصه اشتغال، باید با صرف هزینه‌های هنگفت، بیشتر این افراد جذب سایر مشاغل شوند. متأسفانه با این که آذربایجان شرقی، همدان و خراسان بالاترین میزان تولید را به خود اختصاص داده‌اند، ولی هنگام صادرات، ۷۴ درصد کل صادرات کشور، به استان تهران محدود می‌شود.

در زمینه افزایش صادرات و تولید باید به این نکته توجه کنیم که تسخیر بازار آزاد یعنی کار بیشتر، بی‌خوابی‌های شبانه، موفقیت در رقابت جهانی و رهبری بازار که البته فقط در صورت کاهش بهای فرش ممکن خواهد بود. این در حالی است که در صورت در نظر نگرفتن سلیقه مشتریان، باید با بازار جهانی که کشورهایی چون آمریکا، آلمان، امارات، ایتالیا، ژاپن، سوئیس، کانادا، بریتانیا، فرانسه، هلند، اتریش، استرالیا، یونان و بیش از یکصد کشور جهان را خریدار فرش ایرانی نموده است، خداحافظی کنیم. ■

نگاه دکتر مرتضی فرجی  
رییس مرکز فرش ایران

صنعت فرش با دارا بودن جایگاه اول صادرات غیرنفتی ایران، سالانه سهمی بالغ بر ۴۵۰ میلیون دلار را در حوزه صادرات، نصیب کشورمان می‌کند که با اتخاذ راهکارهایی چون معرفی و فروش

محصول با روش‌ها، امکانات و وسایل موجود و افزایش بهره‌وری با ایجاد بازار رقابتی می‌توان میزان این سهم را در صادرات غیرنفتی افزایش داد. هزینه برپایی هر دار قالی، طرح و مواد خام - در صورتی که به شکل خانگی برپا شود - از ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان می‌باشد و در صورتی که ظرف مدت شش ماه تا یک سال به بهره‌برداری برسد، می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال برای دو نفر، ۵۰ تا ۶۰ درصد ارزش افزوده در پی داشته باشد.

خوشبختانه از بخش بنگاه‌های زودبازده، اعتبارات خوبی برای صنعت فرش تأمین شده است که در مرحله اول، مبلغی در حدود ۸۵ میلیون تومان و با توجه به اشتغال‌زایی مناسب در این زمینه، در مراحل بعدی، مبالغ بیشتری به آن اختصاص خواهد یافت. این بنگاه‌ها - با در نظر گرفتن فرایند زمان در تولید فرش - طی مدت دو تا سه سال به سوددهی می‌رسند. در بحث

صادرات نیز با توجه به این که نرخ دلار رو به افزایش گذاشته، این موضوع برای صادرکنندگان فرش بسیار امیدوارکننده است و البته کاهش بهای نفت نیز می‌تواند سبب افزایش قدرت خرید بازار هدف گردد. در عوض به علت بحران اقتصادی موجود در جهان، تقاضا برای فرش کاهش یافته و اگر نتوانیم خدمات مناسبی به مشتریان خود ارائه دهیم، بازار را از دست خواهیم داد. البته حضور بخش خصوصی و فعالیت آن که جزو کارکردهای طبیعی این بخش است، با ایجاد

دلار در آینده تجربه کنیم، نباید سلیقه بازار را نادیده بگیریم. به عنوان مثال، از جمله موارد مورد نظر مشتریان خارجی، علاقه به پرزهای بلند فرش و گل‌های درشت است و فرش‌های کنونی با هزینه بالای تولید، چندان با سلیقه و نیاز مشتریان تناسب ندارند، ولی این نیز به معنی نادیده گرفتن و تضعیف مؤلفه‌های سنتی فرش ایران نیست. بدیهی است صدور کالای نامتناسب با نیاز بازار، افت قیمت و بدنامی فرش ایرانی را در پی خواهد داشت. از طرفی می‌توان با متمرکز کردن سرمایه‌های خرد صادرکنندگان و تشکیل کنسرسیوم‌ها، مشکلات مالی موجود در این صنعت را برطرف نمود. البته باید اذعان کرد که مشکلات پولی، مالی و بانکی انکارناپذیرند، اما همه مشکلات هم ناشی از آنها نیست. در این راستا می‌توان با افزایش قدرت بخش خصوصی و متمرکزسازی سرمایه‌های خرد موجود شرایط را برای خروج از بحران نقدینگی مهیا کرد. ■

دیدگاه مهدی غضنفری  
معاون وزیر و رییس سازمان توسعه تجارت ایران

صنعت فرش عرصه مناسبی برای اشتغال‌زایی به شمار می‌آید و در حال حاضر ۲۶ صنعت دیگر نیز به آن وابسته‌اند و زنجیره‌ای از نیروی کار با کمترین هزینه به کاری سودمند مشغول هستند که در

کاهش درآمد، با کوهی از بدهی روبه‌رو باشد که این بدهی به دلیل پیوستگی بازارهای مالی در سطح کلان، به رکود فعلی منجر شد. ■



### دیدگاه دکتر ابوالقاسم مهدوی، کارشناس و صاحب‌نظر اقتصادی

اصولاً با چند نوع بحران اقتصادی مواجه هستیم. دسته اول هنگامی که اعتبارات داخلی با نرخ ارز ثابت در تعارض باشد، آن کشور نرخ ارز خود را به نرخ ارز شناور تبدیل می‌کند تا جوابگوی شرایط موجود باشد. دسته دوم، به بحران‌های حبابی بر می‌گردد که به دلیل افزایش بدون دلیل قیمت‌ها صورت می‌گیرد. دسته سوم، به بحران‌های Moral Hazard یا همان مخاطرات اخلاقی بازمی‌گردد که کروگمن - برنده نوبل اقتصاد ۲۰۰۸ - به تفسیر آن پرداخته است.

از ابتدای تشکیل علم اقتصاد، همیشه بحث بر سر دولت و بازار و تمرکز یا عدم تمرکز وجود داشته است. در دنیای ما دولت باید وجود داشته باشد، ولی میزان دخالتش مهم است. یعنی باید دولت را به مثابه یک نهاد نظارت‌گر قبول داشته باشیم، اما به شرطی که فقط وظیفه نظارت‌گری داشته باشد. امروزه به دلیل کاهش فواصل زمانی و مکانی بازارها، دیگر نه آزادی کامل معنا دارد و نه دخالت مستمر. گروهی از کارشناسان، آغاز بحران آمریکا را از سال ۱۹۷۵ تلقی می‌کنند اما به نظر می‌رسد که پس از حوادث تروریستی ایالات متحد، فدرال رزرو از ترس فرار سرمایه‌های این کشور، شروع به کاهش نرخ بهره کرد و بدین ترتیب، تسهیلات آسان و البته ارزان و بازدهی بالا در بخش مسکن را سبب شد. در اثر افزایش قیمت در بخش مسکن، سودآوری بیشتر و شتاب بالای تولید و عرضه در این بخش، مازاد عرضه‌ای در بخش مسکن تشکیل شد که به سقوط قیمت مسکن انجامید و به دلیل وسعت اقتصاد آمریکا، این بحران به کل دنیا تسری پیدا کرد و باعث شد که رشد GNP ایالات متحد، کمتر از یک درصد شود. به اعتقاد بسیاری، ریشه‌های این بحران به سفته‌بازی بیش از حد سال‌های اخیر برمی‌گردد، به طوری که ۹۰ درصد حجم مبادله بازار ارز، درخواست‌های بورس بازی و فقط ۱۰ درصد آن مبادله با تجارت بود. همچنین گروهی دیگر بر این اعتقادند که مسبب اصلی این بحران، خود ایالات متحد می‌باشد. به هر حال فکر می‌کنم تمامی موارد بالا در شکل‌گیری بحران اخیر مؤثر بوده‌اند. ■

داد و بدین ترتیب باعث دلگرمی و تشویق ایشان در جهت شکوفایی صنعت فرش کشور شد. به هر ترتیب، لازم است همه سازمان‌های ذیربط، در جهت تولید هدفمند، دست به دست هم دهند تا تولیدات، متناسب با ذائقه بازار و سلیقه مشتریان باشد. بدیهی است که حضور بدون مطالعه در بازار، علاوه بر ایجاد هزینه و اتلاف وقت و انرژی، سبب فرایند تبلیغی در بازارهای خارجی شده و ارزش کار از بین خواهد رفت. بنابراین لازم است که بافندگان و طراحان، ضمن دقت در انتخاب طرح و رنگ، بالحاظ قرار دادن سلیقه و ذائقه بازارهای جهانی، تولیدی موفق و متناسب با نیاز بازار جهانی ارائه دهند. ■

خلاقیت در این حوزه، تا حدود زیادی می‌تواند کمبودها را جبران نماید. تابلو فرش و فرش‌های ابریشمی که از نفیس‌ترین و گران‌ترین فرش‌های صادراتی ایران هستند، فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد از صادرات فرش را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که بازار جهانی این محصولات با تقاضای بالایی مواجه است.

طبق آمار موجود، ۶۰ تا ۷۰ درصد شاغلان و بافندگان فرش را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که این کار در حاشیه فعالیت‌های معیشتی قرار دارد و با گسترش پوشش بیمه‌های درمانی، عمر و تأمین اجتماعی، می‌توان میزان اطمینان این قشر از جامعه را نسبت به آتیه کارشان افزایش

### انجمن اقتصاددانان

## عطسه بزرگ

اقتصاد آمریکا با حدود ۱۴ تریلیون دلار محصول ناخالص داخلی، قدرتی است که با یک عطسه کوچک آن، ویروس سرماخوردگی ارکان اقتصاد دنیا را فرا خواهد گرفت.



### دیدگاه دکتر علی رشیدی، نایب رییس انجمن اقتصاددانان ایران

واقعه ۱۱ سپتامبر، شدیدترین بحران روحی را در ایالات متحد پدید آورد و سبب شد تا سقوط شدیدی در بورس آمریکا رخ دهد. برای برون رفت از این اتفاق، فدرال رزرو دخالت کرد و نرخ‌های بهره ۶/۵ درصدی را تا حد یک درصد کاهش داد. در نتیجه این کاهش، ارایه تسهیلات آسان شد و محدودیت‌ها رفع گردیدند که به دلیل اختلاف معنادار و سوددهی بهره در یافتی و پرداختی برای بانک‌ها و همچنین افزایش مستمر سالانه قیمت مسکن برای مردم، رونق بی‌سابقه‌ای در این بخش به وجود آمد.

دلیل مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، به کار گماردن افرادی از سوی بوش بود که اعتقاد راسخی به اقتصاد بازار داشتند و بر این باور بودند که مکانیزم‌های بازار به صورت خودکار تعدیل خواهند شد. به علاوه افرادی هم به دلیل رشوه‌خواری و نادیده گرفتن قوانین، از مقررات ایالات متحد عدول که این مطلب نیز در بروز بحران کنونی بی‌تأثیر نبوده است. به هر حال، کشوری چون ایالات متحد که اقتصاد آن سالیان متمادی با رونق همراه بوده و مردمان آن ۹۳ درصد از هر یک دلار را بلافاصله خرج می‌کنند، طبیعی است که پس از رکود و



### دیدگاه دکتر باقر قدیری اصل، رییس انجمن اقتصاددانان ایران

بحران یکی از خصوصیات اقتصادهای سرمایه‌داری است. فرق بین رکود و بحران در این است که رکود، توقف تولید را می‌گویند، اما بحران، سقوط تولید است. رکود در مواقعی اتفاق می‌افتد که رونق به بالاترین حد خود برسد و پس از اشباع، تولید به مرحله رکود و اگر کنترل نشود به بحران خواهد انجامید.

بعد از جنگ جهانی اول، قیمت کالاهای کشاورزی به شدت بالا رفت و به همین دلیل، کشورها به دلیل ترس از رکود احتمالی در صنعت، برای صاحبان صنایع تسهیلاتی را در نظر گرفتند و به این ترتیب سبب رونق صنایع شدند که این موضوع، دقیقاً مشابه اتفاق بخش مسکن در ۲۰۰۸ آمریکا بود.

تفاوت بحران فعلی با بحران‌های گذشته در این است که این بار، ایالات متحد با انتقال بسته‌های مالی (اوراق رهنی) مسموم خود به بورس سایر کشورها، آنها را نیز در این بحران سهیم کرده و آن را جهانی ساخت. در حال حاضر ۲۱۰ میلیون نفر بیکار در دنیا داریم. در چنین شرایطی، هیچ بعید نیست که مارکس دیگری ظهور کند، چراکه تحمل اقتصاد لجام‌گسیخته غیرممکن است. ■